



۲۰۱۷/۰۴/۰۱



م. نسیم اسپر
ملک الشعراء افغان ها در غربت

طینت ناپاک پاکستان در حق افغانستان و مردم ما ادامه دارد

دولت پاکستان از بدو تأسیس تا امروز، با طینت ناپاک، هر ماه، هر سال و حتی هر روز، گلی در آب می دهد و برای دولت و مردم صافدل افغانستان مشکلی خلق می کند. به سلسله درد دل های مردم، من هم سروده هایی داشته ام که در مواقع لازم به دست نشر سپرده ام و اینک باز پس از بستن سرحدات تورخم و سپین بولدک که خسارات شدیدی بر تجار و از همان طریق بر مردم ما وارد ساخت در نظر دارد با اعمار دیوار در سرحد، مشکل سیاسی دیگری را خلق نماید. سروده ای را که دو سال پیش تقدیم کرده بودم یک بار دیگر از نظر تان می گذرانم.

پاکستان باز گلی را به آب داد

به روز ۲۳ فبروری سال ۲۰۱۵، در صفحه انترنتی بی. بی. سی. به عنوان درشت خواندیم که «حامیان داعش به خانه های مردم در ولایت لوگر حمله کردند.»
به اصطلاح عامیانه کابل عزیز، ولایت لوگر در «بیخ گوش» یعنی در شصت کیلومتری کابل موقعیت دارد. ما خرسند از آن هستیم که درین اواخر به همت و پامردی پاکستان «؟» گروه طالبان که از جانب آی. اس. آی. رهنمائی میشوند، به مذاکره صلح با دولت افغانستان آمادگی تام نشان داده اند و در هر هفته هیأت های نظامی و سیاسی پاکستان به کابل سفر میکنند، وزیر داخله آن دولت هم از دوستی و نزدیکی بی سابقه هردو دولت بخوشی اطمینان میدهد.
در زادگاه محبوبم کابل عزیز، مردم اصطلاحات خاصی دارند که در مواقع و موارد مختلف استعمال می کنند، عنوان این نوشته هم یکی از همان اصطلاحات است، منظور هم اینکه اگر کسی با عزم راسخ تصمیم به کاری بگیرد و با ایجاد موانعی، آن تصمیم را بسر رسانده نتواند، یا خود نخواهد به آن برسد، برایش میگویند «قصیش مفت شد».
ما همه شاهد هستیم و تا مغز استخوان احساس کرده ایم که دولت نا پاکستان از بدو تأسیس، با ما در مخاصمت بوده و کوشیده است از جهات سیاسی و اقتصادی دولت افغانستان را صدمه برساند، بخصوص بعد از تهاجم قشون سرخ اتحاد جماهیر شوروی، هجوم مهاجران و ایجاد تنظیم های جهادی تحت حمایت شان، امکان مداخله صریح و آشکار در امور افغانستان بیشتر پیدا کرد که با شیوه مزورانه تا هنوز ادامه دارد.

مسئله تحریک طالبان و ایجاد نا آرامی های روزمره توسط این گروه، یکی از همان پروژه های خونین است که توسط دستگاه جهانی آی. اس. آی. به راه انداخته شده است که زهر گلو سوز آنرا، مردم مظلوم و صبور افغانستان همه روزه در هر گوشه و کنار به تلخی می چشند، حتی هم اکنون که سر و صدای مصالحه با طالبان گرم است. اینک ظهور داعش و یا پیروان شان در ولایت لوگر، در جوار پایتخت، گل تازه ای است که در آب انداخته می شود و به طور یقین پروژه صلح با طالبان را، صدمه می رساند و اگر با طالبان مصالحه هم شود، دولت افغانستان باید برای دفع داعش کمر بسته کند، یعنی دامنه جنگ تا به زانو در آمدن افغانستان، باید ادامه داشته باشد. من که پس از مصیبت هفتم ثور ۵۷ ش تا کنون در برابر هر حادثه ای، منظومه ای داشته ام، اینک سروده ای را که یازده سال پیش، هنگامی که کرسی برادر گویان از طالبان و گلبدین به همکاری دعوت نمود، به نام «دهان مار» نوشته شده است به طور تکرار حسن تقدیم می کنم:

مار اگر در آستین می پروری، هشیار باش
ور به زهر مار عادت می کنی بیدار باش
رنج ها دیدند مردم، تلخ تر از زهر مار
مار پروردن چرا؟، در فکر دفع مار باش
از عدو دعوت به همدردی، جفا با مردم است
دشمنی با خود مکن، با مردمان هم یار باش
جلوه طاووس دارد دشمن خوش خط و خال
هوش کن محتاط با این روبه مکار باش
تا نگردد باز شهری، اشک بار و سوگوار
بهر دفع افعی خون خوار خلق آزار باش
دست یاری پیش کردن سوی بدکیشان خطاست
تا خطایی پیش ناید، اندکی خود دار باش
طینت آتش مزاجان را به آسانی مگیر
گل ز گلشن گر همی خواهی، بفکر خار باش
دامن آئینه از آهی مکدر می شود
باش پاک و صاف دل، اما به یک مقدار باش
سرمه را باز آزمودن، دده را آزردنست
تا نیازارد ترا، زین آزمون بیزار باش
عاقبت در محنت آباد وطن رای نداشت
تا ز آفت دور باشی، دور ازین پناز باش
گر زببیردان مدد می خواهی، از بیدل شنو
«بر دم عقرب نشین، یا در دهان مار باش»
این تقاضا «آتش نمرود دارد در کمین»
در رد ابلیس، روز و شب به استغفار باش
اختیار ما به دست تو درست افتاده است
بی رضای ما نه خود کام و نه خود مختار باش
دوستان بر دور تو جمعند تا کاری کنند
این خط پرکار را خود، مرکز پرکار باش
دوستی با دشمن مردم، به مردم دشمنیست
دوستان را مفت از کف میدهی، بیدار باش
لطف حق باب کرامت را بروی ما گشود
نور می بارد ز بام و در، به فکر نار باش
گر پریشان خاطری دارد شکایت، گوش کن
مرهمی بر زخم های سینه افکار باش

در خراب آباد میهن از «اسیر» این گپ شنو
ازکی استمداد می خواهی، تو خود معمار باش